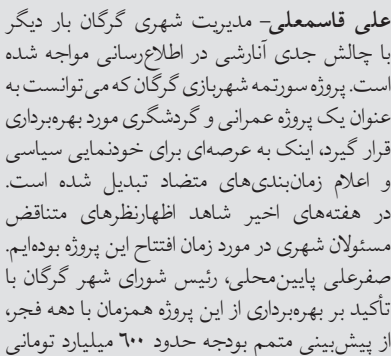




ادامه تیتراول

نیز بعضاً اقلامی چون انواع اسباب بازی آموزشی و سرگرمی و نیز یک دستگاه ویدئو پروژکتور است. مربی کتابخانه سیار گمیشان ادامه داد: البته جا دارد اشاره کنم که تأمین منابع به روز و متنوع و افزایش حمایت فرهنگی و مالی از جمله نیاز و انتظار کتابخانه سیار بوده و نیز به نظر من افزودن کتاب های جدید و استفاده از منابع محلی و فرهنگی منطقه برای تقویت هویت بومی مناسب است. او در ادامه به فعالیت های روزمره اش هم پرداخت و گفت: هر روز ساعت ۸ صبح باهدف ترویج و ارتقای فرهنگی هنری برای کودکان و نوجوانان به روستاهای کم برخوردار مراجعه می کنم و با انجام فعالیت های متنوع و خلاقانه فرهنگی و هنری با توجه به بضاعت از جمله کارگاه های ادبی، بازی های بومی و محلی و کارگاه های فرهنگی به خدمات رسانی به کودکان و نوجوانان عزیز منطقه خود می پردازم. اوتق، ادامه داد: در این مسیر هم مهم ترین هدفم این است دانش را در فضای بانشاط و با همکاری والدین آموزش دهم و هر بار سعی می کنم با احساس مسئولیت راهی روستا شوم و در حد توانم در دل کودکان بذر دانایی و مهربانی بکارم. مربی کتابخانه سیار گمیشان همچنین گفت: از اینکه کودکان منتظر آمدن کتابخانه سیار و شورونشاط آنها برای مطالعه

او در گفت و گو با خبرنگار اینبا گفت: من از اسفند ۱۴۰۳ جذب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گمیشان شدم و کتابخانه سیار گمیشان ۱۸ روستا را تحت پوشش می دهد که در این چند مدتی که جذب کانون پرورش فکری شدم به ۱۸ روستا در قالب فعالیت های فرهنگی و هنری خدمات رسانی انجام می دهم. وی افزود: روستاهایی که نه تنها مسیرشان بلکه نامشان برای بسیاری نا آشنا است. روستای چارقلی، دهنه، گامیشلی، خواجه نفس، قرمسه، قره کیله، کملا، غفار حاجی، بصیرآباد، صفایشان، قلعه جیق کوچک، قلعه جیق بزرگ قلمس، کله پست و آلتین تخماق هستند که عمدتاً مرزی و محرومند. او همچنین گفت: در کتابخانه سیار کانون پرورش فکری گمیشان در حال حاضر چهار هزار و ۷۶۹ جلد کتاب موجود است و نزدیک به ۸۰۰ نفر عضو کتابخانه سیار هستند و همراه و هم سفرم



خود را بشناسد رنج می برم و از تلخی های کار من به شمار می رود. اوتق گفت: امیدوارم روزی مسیر و شرایط کشف و بروز استعدادها در مناطق کم برخوردار فراهم شود و از طرفی دیگر کتابخانه بتواند فرزندان این سرزمین را از فضای مجازی و بازی های بی هدف دور کند و به مطالعه و تفکر علاقه مند کند.

در صف کنار خودرو قرار می گیرند و خنده های آنها را تماشا می کنم لذت می برم و باعث می شود هر دقیقه آن برای من خاطره شیرینی محسوب شود. اما از طرفی دیگر همیشه دیدن کودک و نوجوان خانواده ای که به خاطر امرارعاش به کار در بیرون مشغول کار هستند و وقت آن را ندارند که استعداد

ادامه تیتراول دوم

شورای شهر مدعی هستند، سالانه حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیارد تومان برای حوزه اطلاع رسانی و تبلیغات در شهر هزینه می شود. با این وجود، بسیاری از شهروندان گرگانی از تصمیمات مدیریت شهری یا مباحث مطروحه در پارلمان محلی مرکز استان گلستان بی اطلاع هستند. کارشناسان امور شهری بر این باورند که یکی از اهرم های استوار در اعمال موفق مدیریت شهری در کلان شهرها، داشتن ساز و کار اطلاع رسانی قوی و تخصصی است. به نظر می رسد مدیریت شهری گرگان نیازمند بازنگری اساسی در رویکرد فعلی اطلاع رسانی و ساماندهی وضع موجود است. از جمله راهکارهای پیشنهادی می توان به تعیین و معرفی یک سخنگوی واحد

علی رغم گذشت چندین روز از انتشار گزارش های مختلف در رسانه ها و فضای مجازی، هنوز واحد روابط عمومی شهرداری و شورای شهر در این خصوص موضع گیری شفافی ارائه نداده اند و شهروندان گرگانی در بی خبری کامل به سر می برند. این در حالی است که برخی از اعضای

می شود، پرهیز نمایند. وضعیت توصیف شده در مدیریت شهری گرگان تنها یک مشکل ارتباطی ساده نیست، بلکه نشانه ای از یک ضعف مدیریتی کلان است. زمانی که شهروندان از تصمیمات و دلایل آنها بی خبر باشند، حس تعلق شهری و مشارکت در امور شهر کاهش یافته و در بلندمدت مقبولیت و مشروعیت مدیریت شهری زیر سؤال می رود. سرمایه گذاری در یک سیستم اطلاع رسانی قوی، شفاف و حرفه ای نه یک هزینه، بلکه یک سرمایه گذاری اساسی برای اعتمادسازی و توسعه پایدار شهری است. به نظر می رسد مدیریت شهری گرگان باید هرچه سریع تر برای خروج از این آناشری اطلاع رسانی چاره اندیشی کند.

در شهرداری و شورای شهر برای انعکاس اخبار و موضع گیری های مهم اشاره کرد. همچنین راه اندازی یک پورتال یا اپلیکیشن رسمی پویا که در آن کلیه پروژه ها، گزارش پیشرفت، تصمیمات شورای شهر و بودجه به طور شفاف و به روز در دسترس شهروندان قرار گیرد، می تواند به این ضعف پایان دهد. علاوه بر این، روابط عمومی شهرداری و شورای شهر باید به جای واکنشی عمل کردن، به صورت فعالانه درباره مسائل حساس جامعه اطلاع رسانی کند. مدیران ارشد شورا و شهرداری نیز باید آموزش ببینند که چگونه پیام یکسان و شفافی به جامعه منتقل کنند و از اظهارنظرهای شخصی و سلیقه ای که منجر به سردرگمی

تحقق ۱۰۵ درصدی تأمین کود پتاس یارانه ای



مدت مشابه سال گذشته خبر داد و گفت: امسال شاهد افزایش حدود ۴۸ درصدی تأمین این نهاده نسبت به

میانگین پنج ساله هستیم. محمدی با اشاره به اهمیت استفاده از کود سولفات پتاسیم اظهار کرد: این کود به

دلیل دارا بودن دو عنصر حیاتی پتاسیم و گوگرد و قابلیت حل شوندگی بالا شامل ۵۰ درصد اکسید پتاسیم و ۱۸ تا ۲۴ درصد گوگرد تأثیر قابل توجهی بر رشد و سلامت گیاه دارد و به همین دلیل مورد استقبال کشاورزان و باغداران گلستان قرار گرفته است. وی افزود: حدود ۵۰ درصد خاک های استان تحت تنش شوری قرار دارند و PH بالایی خاک های شور مانع جذب بسیاری از عناصر غذایی می شود. مصرف سولفات پتاسیم با کاهش PH ریزوسفر ریشه، باعث کاهش اثرات سمی سدیم، کلسیم و منیزیم و افزایش دسترسی عناصر مهمی مانند آهن، منگنز، روی، مس و فسفر می شود. محمدی در ادامه گفت: در کنار تأمین کود سولفات پتاسیم مورد نیاز کشاورزان، کود کلرور پتاسیم نیز برای مناطق دارای خاک های غیر شور با هدایت الکتریکی کمتر از ۷ دسی زیمنس بر متر تأمین شده است. وی در پایان به کشاورزان توصیه کرد: برای کاهش شوری خاک از بارش های فصلی بهره ببرند و در صورت بالا بودن قلیائیت، حتماً پیش از مصرف هر نوع کود پتاسه، بر اساس نتیجه آزمون خاک با کارشناسان مراکز خدمات جهاد کشاورزی شهرستان ها مشورت کنند.

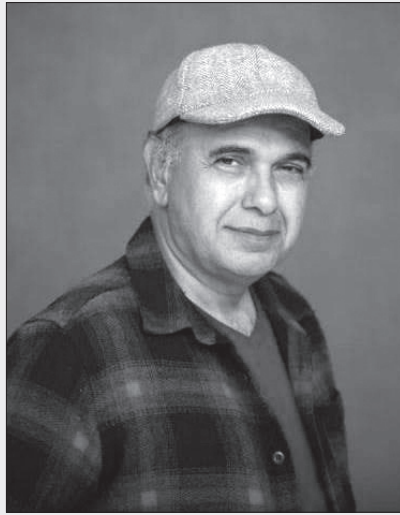
مدیر شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان از تحقق ۱۰۵ درصدی برنامه تأمین کود پتاس یارانه ای در سال جاری خبر داد. به گزارش روابط عمومی، مجید محمدی اظهار کرد: برنامه ابلاغی تأمین کود پتاس یارانه ای برای سال جاری برابر با ۱۳ هزار و ۵۲۴ تن بوده که تاکنون ۱۰۵ درصد آن محقق شده و میزان تأمین شده به ۱۴ هزار و ۱۷۲ تن رسیده است. محمدی با اشاره به اینکه کودهای پتاسه در سبد یارانه ای این شرکت شامل سولفات پتاسیم و کلرور پتاسیم است، افزود: ۷۶ درصد از سولفات پتاسیم مورد نیاز استان از ظرفیت تولید داخلی تأمین شده و ۲۴ درصد کلرور پتاسیم نیز از طریق واردات از کشورهای حوزه اوراسیا و از بندر فریدونکنار مازندران وارد استان شده است. وی با اشاره به نقش مهم این نهاده در افزایش مقاومت گیاه در برابر تنش های محیطی گفت: بر اساس تحقیقات انجام شده، ۶۲ درصد مناطق دیم گلستان تحت تأثیر تنش خشکی و کم آبی قرار دارند و مصرف کودهای پتاسه در این مناطق برای بهبود عملکرد و کاهش خسارت ها ضروری است. مدیر شرکت خدمات حمایتی کشاورزی گلستان همچنین از رشد معنادار تأمین کود پتاسه نسبت به

کروکودیل تنها

یکی از مراکز جذاب و با مزه کشور، مرکزی ایست که هر چند روز یک بار با شیرین زبانی خاصی نظر مخاطبان را به خود جلب می کند! «فرهنگستان زبان فارسی»

مرکزی با مزه که از اساس قرار بوده اقداماتی در مسیر پاسداشت زبان پارسی انجام دهد که امروز به نظر می رسد با رسالت فاخر خود فاصله ای معنادار گرفته است. این مرکز جذاب و بامزه در آخرین اظهار نظرهای خود معادل هایی جالب برای برخی واژه ها برگزیده مثلا فرمایش کرده اند بجای پروفایل بگوییم نماگر یا بجای کرانچی بگوییم کروچنده یا بجای تگ کردن بگوییم برچسب زدن یا بجای منشن کردن بگوییم نامیاد کردن یا بجای اسلاید بگوییم پردک یا بجای کاتر بگوییم تیربر یا بجای اسکوپ بگوییم توپک و توپک زن! مثلا وقتی به بستی فروشی می روید نگویید ۳ اسکوپ بستی بده، بگویید ۳ توپک بستی بده یا به سوپر مارکت بگویید یک کروچنده فلفلی به من بده!

این مرکز سالانه واژه های فراوانی از خود تولید می کند که تقریباً در زبان هیچ اهل ادبی استفاده نمی شود و حتی بعید می دانم کارمندان این مرکز هم از واژه های اختراعی استفاده کنند. البته برای جا انداختن برخی واژه ها در جامعه تلاش زیادی از سوی مرکز کم مخاطب دیگری به نام صدواسیمیا صورت می گیرد اما به نظر می رسد این نیز تلاشی مذبحانه باشد. در بسیاری از کشورها و زبان ها کلمات وارداتی را به همان شکل وارد شده حفظ می کنند و هیچ گونه مقاومتی در برابر آن صورت نمی گیرد و یا حداقل وقتی می بینند تغییر کلمات وارداتی تاثیری در لایه های اجتماع ندارد، دیگر از این اقدام خودداری می کنند اما گویی فرهنگستان زبان فارسی گمان می کند که تغییرات کلماتش در جامعه اثربخش است یا شاید واقعا با هدف طنز و جذابیت این کار را ادامه می دهد. مثلا اعضای این مرکز صبح ها در محل کار جمع می شوند، جلسه تشکیل می دهند و در بارش افکار به این نتیجه می رسند که امروز چند واژه را تغییر دهیم و اعضا به اتاق های خود می روند و تا ظهر به تفکر مشغول می شوند، ظهر هنگام بار دیگر در اتاق رییس جمع می شوند و هر کس معادل های خود را برای واژه ها ارائه می دهد. معادل های تولید شده در سبیدی قرار داده می شود، قرعه کشی می کنند و یک معادل از سبد خارج می شود و آن معادل به منزله نظر فرهنگستان در مورد آن واژه است و سپس در اظهار نظری سخنگوی فرهنگستان آن را به اطلاع مخاطبان می رساند و آنان از شنیدن آن واژه معادل، همی جامعه بر خویشتن دریدندی و همی نعره برفکنندی! که مرجحاً بر این درآیت و نکته سنجی . آری مریدان فرهنگستان اینچنین ارادت خود را به حضرت ایشان ابراز دارند و شاید بدین سبب است که اعضای فرهنگستان با شوق فراوان فردانیز کار امروز را تکرار کنند و خود را لایق چنین تحسینی و البته حقوقی در پایان ماه دانستندی!



اسپاسمانتالیسم فرزند مدرنیته آمرانه بود طوری که خلقتش نمی خواهد و نمی تواند از امری اطاعت کند که ریشه در اخلاص به نوستالژی دارد!

نویسنده و شاعر



نئواسپاسمانتالیسم، شورش علیه وضعیت کسانی ست که خود را در کنش پیامبرانه پیشینیانسان، هم قسم می دانند.

نئواسپاسمانتالیسم پس از برداشتن تساوی های ناعادلانه در روابط فیما بین، سعی در جمع و ضرب کردن امیدهای توانمندانی دارد که به بهانه هم پیکر بودن با همانانش در کسری از ثانیه به تقسیم تن می دادند. اسپاسمانتالیسم با ساعت زمانه ای کوک شده بود که بین انتلکثوئل های فوکولی- فوکویی و روسی- فرانسوی مسافت از سلامت زمین بود تا ساخت آسمان! نئواسپاسمانتالیسم در تلاش است تمام بر ساخت های روشنفکرانه مورد تعلیمی اش را به امری اجتماعی تبدیل کند؛ مثلاً طوری از صف نانوایی درآمد باشد که افکار عمومی (مخاطبین و غیرمخاطبین)، منتظر باز کردن درجه گفتگویی تازه از خشکسالی باشند که هنوز بر گندم های خانه شان نیامده باشد! اسپاسمانتالیسم برای آنکه خود را در زمانه خویش بازتولید کند به فرزندان نیاز دارد که بتوانند خود را وفادار اتمسفری بدانند که اکسیژن اش در صبحانه هر روز مصرف می شود. خویشتی با خویش!

آزادی در زمانه ای که نئواسپاسمانتالیسم از آن می گوید، تراوش یک هیجان نوستالژیک نیست که بین شهید و شهادت و قدیس و قدسیت بتواند به دنبال گزینه منفرد باشد؛ نئواسپاسمانتالیسم خود را کوزه گری می داند که تمام تاریخ را بدون بلعیدن در دستش، با خود دارد؛ در کوزه ای که هم از شراب حرف است و هم از نان؛ از شهادت و هم از شهید. نئواسپاسمانتالیسم بیانیه ای نیست که گروهی بر روی کاغذ به دنبال امضای آن باشند؛ این بیانیه در سکوتی روشن و توسط پاسخ هایی که افکار عمومی به آن می دهد، پدید می آید.

«

"مقدمه ای بر نئواسپاسمانتالیسم علی مومنی"

بخش چهارم



شعبان بزرگی

مزایده کافی شاپ و رستوران و آلاچیق های هتل جهانگردی ناهار خوران گران

شرکت سرمایه گذاری ایرانگردی و جهانگردی (سهامی خاص) در نظر دارد

- ۱- متقاضیان نسبت به تکمیل مستندات درخواست شده اقدام و طی ساعات اداری به دبیرخانه شرکت به نشانی: تهران خیابان ولی عصر (عج)، روبروی توانیر، کوچه شمس، پلاک ۳، طبقه اول، دبیرخانه حراست تحویل نمایند.
- ۲- آخرین مهلت تحویل پیشنهادات با اخذ رسید حداکثر تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ می باشد.
- ۳- شرکت در قبول و یا رد کلیه پیشنهادات مختار می باشد.
- ۴- شایان ذکر است شرکت کنندگان در مزایده بایستی شماره ردیف مورد درخواست خود را بطور مشخص و واضح ذکر نمایند.

کافی شاپ و رستوران و آلاچیق های واقع در هتل جهانگردی ناهار خوران گران را از طریق مزایده عمومی به اشخاص واجد شرایط به صورت اجاره و یا شرایط ذیل الذکر واگذار نماید: متقاضیان گرامی جهت اطلاع از وضعیت طرح مورد نظر و شرایط شرکت در فراخوان، می توانند از تاریخ انتشار این آگهی به بخش مزایده و مناقصه های وب سایت شرکت به نشانی www.ittic.com مراجعه نمایند.

ردیف	مورد مزایده	متراز (مترمربع)	میزان پایه اجاره ماهیانه (ریال)	مدت زمان بهره برداری	مبلغ ضمانت
۱	کافی شاپ	۲۳	۲۸۰۰۰۰۰۰۰	یک سال	۱۶۸۰۰۰۰۰۰۰
۲	رستوران ستی و آلاچیق	۱۴۰۰	۱.۱۹۰۰۰۰۰۰۰۰	یک سال	۷۱۴۰۰۰۰۰۰۰

آگهی مناقصه عمومی

اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان در نظر دارد

مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد از تاریخ درج آگهی تا ساعت ۱۷ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۳ آخرین مهلت تکمیل و ارسال پیشنهادات تا ساعت ۱۷ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ و تحویل اصل ضمانتنامه یافیش واریزی بصورت فیزیکی به دبیرخانه اداره کل تا پایان وقت اداری همان روز می باشد. - کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد و بازگشایی پیشنهادات از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir انجام خواهد شد. - تضمین شرکت در مناقصه: بر اساس آیین نامه تضمین شماره ۱۳۴۰۲/ت/۵۰۶۵۹ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ و اصلاحات بعدی - سایر شرایط در اسناد مناقصه درج شده است و شرکت کنندگان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به امور قراردادها مراجعه و یا تماس حاصل نمایند. شناسه آگهی ۲۰۵۹۱۸۳

اجرای پروژه مندرج در جدول ذیل را با مشخصات و شرایط مندرج در اسناد مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir برگزار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط قید شده در اسناد مناقصه دعوت به عمل می آید جهت اعلام آمادگی و شرکت در مناقصه در مهلت مقرر اقدام نمایند.

موضوع پروژه و محل اجرا	مدت (ماه)	مبلغ برآورد (ریال)	مبلغ (تضمین (ریال)
انتقال و غرس، مراقبت و آبیاری نهال بیابانی به حجم ۱۰۰ هکتار حوزه داشلی برون شهرستان گنبد کاووس	۱۲	۳۳.۶۷۹.۱۳۳.۶۴۴	۱.۶۸۳.۹۵۶.۶۸۳

داستان کوتاه

وصیت نامه



داوود خان احمدی، آزادشهر

مثل یک انبار قدیمی پر از خرت و پرت می تواند باشد. وسطش خیلی چیزهایی که توی زندگی ما حالا حکم کیمیا را دارد گم شده. خیلی چیزها را هم خودمان خواسته ایم (می خواهیم) گم کنیم. راوی می گوید: من خیلی وقت ها از این حقیقت وحشت کرده ام (می کنم) که اگر قرار باشد بین کور نشدن یک کودک و از دست دادن شغل یک نفر را انتخاب کنم، ... یا وحشتناک تر: اگر قرار باشد بین مردن یک نفر در یک جای جهان با صفر شدن حساب بانکی خودم، ... یا ...

من می گویم: سه سال پیش بود. درست همان زمان که تو و سونیا تازه از آلمان برگشته بودید تا به قول راوی پیچیده شدن عشقه را دور یک گیاه خودروی یک زمانی استوار حالا تکیه با چشم خودتان ببینید. و به قول سونیا «پدر حالا بیش از هر زمان دیگری به مراقبت نیاز دارد».

و به قول تو: مرتیکه دوباره دیوانگی اش گل کرده پترانش از نوشته هایش بیرون زده، حالا خر خودش را گرفته... می دانی شک در نوشتن بدتر است از شک در گفتن. حالا که دارم می نویسم، ذهن تو جلوی چشم هایم راه می رود... می ترسم هیچ کدام از اینها را باور نکنی، بعد بی آنکه ناشرم بفهمد همه را شبانه ببلعی و رویش یک بطری کنیاک. اما من می نویسم. به قول راوی اگر واقع شدن این چیز همان حقیقت تکه تکه شده باشد که خودش می داند چگونه راهش را پیدا کند وگرنه همان بهتر که مزه کنیاک تو شود. سه سال پیش بود. بعد از اینکه از شر قرص ها خلاص می شدم، بعد که مطمئن می شدم تو و شوهرت خوابیده اید، روی مجلات سال ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۷ کار می کردم. درست شب ۱۷ شهریور بود و من هم شانسی رسیده بودم به اطلاعات ۲۰ شهریور ۱۳۵۷. همه جای روزنامه پر بود از عکس ها و اعلامیه ها و خبرهای ریز و درشت راجع به هیاهو... من اما به قول راوی «به دنبال رد پای گم شدگی بودم وسط خرت و پرت ها» یک جای روزنامه نوشته بود «جنون شوهر زن با بال های آبی رنگ» بعد زیرش با خط ریزتری نوشته شده بود: «شوهر زنی که یک هفته قبل به ناگهان صاحب یک جفت بال آبی رنگ شده بود همسرش را کشت. به گزارش خبرنگار حوادث وی تمام دیروز را به دنبال قیچی گشت ولی پیدا نکرد، بعد مجبور شد بال های زن بیچاره را به آتش بکشد... جسد زن در قطعه ی ۶۹ دفن شد». می بینی موضوع به این مهمی وسط بلبشوی آن موقع ها گم شد. به همین راحتی. چه بسا این زن فرشته ای بود که آمده بود چیزی را هشدار بدهد یا از حادثه ای در آینده خبر بدهد... یا اگر همین زن حامله می شد لا اقل بچه اش می توانست کاری کند برای مردم حالا حظورش را نمی دانم... می بینی یک انبار قدیمی پر از خرت و پرت... سه سال پیش بود - چیزهای مهم تری هست که باید بگویم... تاریخ از این چیزها زیاد دارد آدم بیکار می خواهد آنها را برای سرگرمی مردم بازگو کند... یک چیز مهم دیگر که... مربوط به خود سونیا می شود... راجع به درست شدنش... چگونگی درست

شدنش. مطمئن داستانی مثل همه ی داستان های دیگر راجع به عشق بین من و مادرش و ازدواج و... برای سرهم کرده که همه اش دروغ است. یعنی حقیقت نیست. شاید واقعیت... نه واقعیت هم نیست. حقیقت اش این است که: درست ۲۴ سالم بود. تولد ۲۴ سالگی ام را در باشگاه فریال امیرآباد گرفته بودیم. با چند تا از بچه های حزب و سه چهار شاعر و نویسنده ی دریه در ساعت که از ۲ گذشت همه ی ما را با زور انداختند بیرون و در باشگاه را بستند. همان شب بود... بله... من از سر مستی بالا آوردم... روز ۱۹ شهریور ۵۷. درست رویه روی آینه بعد از در دستشویی روی دیوار همین خانه ای که حالا تویش نشسته ایم... از دهانم اما به جای غذاهای هضم نشده یک پرنده آمد بیرون. پرنده خورد به دیوار بعد افتاد زمین و دور خودش پيله تنید. بعد از یکی دو سال همین سونیا که می بینی به شکل دختری ۷ ساله از توی پيله آمد بیرون. می دانم باور کردنش سخت است، اما من هیچ وقت زن نداشتم و هیچ وقت هم با هیچ زنی در هیچ جایی حتی به قول راوی در ذهن فروید هم نخوابیده ام. شاید فکر کنید من این اراجیف را سرهم کرده ام تا مثلاً سونیا را از ارث محروم کنم. یا مثلاً پارسال هم گفته بودم: من در یک سال و دو ماهی که زندانی بودم حتی یکبار هم مرخصی نیامدم و در تمام این مدت مادرت همخانه پرویز مسعودی بوده... از شهریور ۵۶ تا روزی که آن زن قنایهات را دم در زندان قصر گذاشت توی بغلم... بعد هم آن مسئله ی DNA و آن مزخرفات. اینها هم مهم نیستند لااقل تو که خوب می دانی سونیا جان، من هیچ دلبستگی به مال و منال دنیا ندارم. تازه همه ی داراییم که همین خانه و باغ شهریار و دفتر مرزداران باشد قبلاً کرده ام به نام تو (همه ی اسنادش هم توی گاوصندوق دفتر گذاشتم به همراه عکس های سیاه و سفیدی که از لحظه ی درست شدنت گرفتم) پس... بگذریم... سه سال پیش که تو و شاهین از آلمان برگشتید، یعنی دو ماه قبل از آمدنتان... من همه ی زندگی ام را طاق زده ام. حالا با چی اش را عرض می کنم: چند بار دیگر هم این اتفاق افتاده بود... ولی برعکسش. یک جورهایی همه چیز همیشه به نفع من تمام

می شد. مثلاً یکبار که انتخاب بین میوه های باغ شهریار و زندگی دختر همسایه بود نتوانستم از پولی که می توانست از فروش میوه ها به دست بیاید و خرج تحصیل شما را در آن دیار غربت بدهد بگذرم... همیشه فکر می کردم این یک اتفاق ذهنی است و بازی ای است که بیشتر بعد از دود کردن تریاک و نشنگی بعضی وقت ها هم وقت خماری شروع می شود و همه اش هم همین جا توی ذهن من دفن می شود. یکبار دیگر هم زدم: آن بار بین بورسیه ی دانشگاه تو بود و آتش گرفتن خانه ی شخصی در خیابان هفتم. می دانی پیش خودم گفتم خانه ی کسی که نمی شناسم مهم تر است یا آینده ی تنها دخترم... ازش پرسیدم... گفتم اگر خودت بودی؟! زل زد به چشم هام و گفت ما که بازی نمی کنیم ما فقط بازیگرها و موضوع را انتخاب می کنیم... تا اینکه سه سال پیش... از قبل هم تصمیمم را گرفته بودم و بلافاصله بعد از اینکه حرفش را پیش کشید روی هوا زدم... موضوع بین مردن من بود یا هر چیزی که خودم انتخاب کنم. بعد وقتی که تعجب من را دید گفت این آخرین انتخابت است. ما برای همه ی کسانی که آخرین انتخابشان است این حق را قائل می شویم. من هم آزادی زندانی های شهر را گذاشتم جلوی او هم چشم بسته قبول کرد. فکر کردم کاش جاودانگی، بهشتی، یا چیزی را می گذاشتم که با چشم غره اش فکرم را قورت دادم. بعد هم گفت که بازیگرها چیزی را می توانند بخواهند که قبلاً با بی ایمانی دودشان نکرده باشند... من فقط سیگار دود کرده بودم و بعضی نشئه جات اما همیشه یک مومن بوده ام با تمام بی احتیاطی که در ناخودآگاهم مرتکب می شدم... لبخند سیاهی زد و گفت غصه نخور تا آزادی آخرین زندانی زنده می مانی قمارباز و صدای قهقهه اش اتاق را پر کرد... حالا هم که روزنامه ی عصر نوشته فردا پرویز مسعودی آخرین زندانی شهر آزاد می شود...

داود خان احمدی
زندان/ ۲۲۲۲

به بهانه نهم آذر؛ درگذشت بیژن الهی (شاعر و مترجم)

بیژن الهی؛ شاعر تاریکی های روشن



راحت ترین روزی که می توان برای زیستن تصمیم گرفت.

(۲)

گوزنها چه گفته اند؟

سم هاشان را بر برف نخواهی شمرد

که از این همه خون های ناشناس

قلیل تراست.

خون هایی که در نسیم

دست تو را نیز آغشته است.

گوزنها چه گفته اند؟

نه.

تو هرگز نخواهی پذیرفت:

شکارچیان رفته

بی رحمانه شادی آورده اند،

زمانی که تو هنوز در جنگلی،

زمانی که تو می زایی و برفراز خود

آسمان شسته را

آهسته تر از درد به یاد می آری.

چند نمونه از شعرهای
بیژن الهی:

(۱)

آه، چرا باید

من تو را شگفت بدانم

در این جریان

که از شگفت بودن همه چیزی

عادی می نماید؟

و گر نه تو عادی ترین موسمی

که می باید به چار موسم افزود.

و چشمان تو،

جایگاهی ویژه دارد؛ چرا که زبانش هم زمان تصویری، فلسفی و عرفانی است. شعرهای او پر از استعاره های غیرمنتظره، ترکیب های سوررئالستی و نگاه به جهان از زاویه ای متفاوت اند. الهی به جای روایت مستقیم، جهان را در شبکه ای از نمادها و تصاویر بازآفرینی می کند جریان «شعر دیگر» پس از موج نو احمد رضا احمدی شکل گرفت و شاعرانی چون بیژن الهی، بهرام اردبیلی و هوشنگ چالنگی در آن حضور داشتند. این جریان با گریز از سنت های ادبی، تعهدگریزی و طبیعت گرایی شناخته می شود. الهی در این میان، بیش از دیگران به عرفان و نگاه انفسی گرایش داشت. شعر او نه صرفاً اجتماعی است و نه صرفاً عاشقانه؛ بلکه تجربه ای درونی است که با زبان نمادین بیان می شود. در شعرهای الهی، اشیا و مفاهیم روزمره به موجوداتی زنده و رازآلود بدل می شوند. زبان الهی به دنبال بازآفرینی جهان است، نه توصیف آن. او با ترکیب های غیرمعمول فضاهایی سوررئالستی می سازد که خواننده را به کشف معنای تازه دعوت می کند. الهی اشیا را از کارکرد روزمره شان جدا می کند و به آنها معنای تازه می دهد. اشیا در شعر او دیگر معمولی نیستند؛ بلکه حامل معنای فلسفی و عاطفی اند. این نگاه نو به اشیا، شعر او را به تجربه ای هنری و نقاشانه بدل می کند؛ و این مسئله متأثر از پیشینه ی در نقاشی است. شعر او را نمی توان به سادگی توضیح داد یا در قالب های رایج تحلیل کرد. زیبایی شعر او در رازآلودگی و چندلایگی آن است. او جهان را نه آن گونه که هست،



محدثه (معصومه) عوض پور

بیژن الهی (۱۳۲۴-۱۳۸۹) شاعر، مترجم و نقاش ایرانی بود که در تهران به دنیا آمد و در همان جا درگذشت. او از خانواده ای متعول با ریشه های شیرازی و تبریزی برخاست و از نوجوانی به نقاشی و هنر علاقه نشان داد، اما بعدها مسیر خود را به سوی شعر و ادبیات تغییر داد. الهی از چهره های شاخص جریان «شعر دیگر» بود؛ جریانی که در دهه ی چهل خورشیدی شکل گرفت و با نوگرایی، عرفان، هنجارگریزی و نگاه انفسی شناخته می شود. او علاوه بر شعر، در ترجمه ی آثار ادبی غربی نیز فعال بود و نقاشی را نیز تا سال ها ادامه داد. زندگی شخصی اش با سکوت و حاشیه نشینی همراه بود، اما همین خلوت، به شعرهایش عمق و رازآلودگی بخشید. شعر بیژن الهی را نمی توان تنها در قالب های رایج شعر نو یا کلاسیک فهمید. او در میان شاعران «شعر دیگر»



حاتم به‌عنوان ضد بشر؛ در فیلم، شخصیت‌ها کارآگاه، شاهد و راوی‌اند که هرکدام بخشی از حقیقت را می‌گویند. هدف کلی «ملکوت» طرح پرسش‌های فلسفی درباره‌ی مرگ و رستگاری است اما «اژدها...» بیشتر به نقد تاریخ معاصر و روایت‌های رسمی و غیررسمی درباره ماجرا نزدیک می‌شود.

به بهانه ۱۲ آذر درگذشت بهرام صادقی

نگاهی به «ملکوت» صادقی و «اژدها وارد می‌شود» مانی حقیقی

ملکوت تا اژدها: از وحشت فلسفی به مستند راز آلود

مانی حقیقی در سال ۱۳۹۴ با اقتباس آزاد از ملکوت، فیلم «اژدها وارد می‌شود» را ساخت. من دو فیلم را بلافاصله بعد از پایان دوباره دیده‌ام. اولین آن «شرق بهشت» الیا کازان با اقتباس از رمان جان اشتاین‌بک و دومی همین «اژدها وارد می‌شود» است. مانی حقیقی، در «اژدها...» با ترکیب مستند و داستان، فضایی رازآلود و چندلایه خلق می‌کند. فیلم درباره‌ی یک کارآگاه و ماجرای مرگ مشکوک در جزیره‌ی قشم است. روایت چندگانه، شهادت‌های مختلف و تصاویر مستندگونه، فضایی می‌سازد که حقیقت و خیال در هم می‌آمیزند. «اژدها...» با استفاده از مصاحبه‌های واقعی نما، اسناد و روایت‌های متناقض، مستندگونه‌ی را به اوج می‌رساند. هرچند فیلم به‌ظاهر کارآگاهی است، اما با حضور صدهای وهم‌آلود قبرستان، و اژدهای خیالی، به ژانر وحشت نزدیک می‌شود.

تفاوت‌های نسخه‌ی داستانی و سینمایی:

در «ملکوت»، وحشت از درون انسان و پوچی زندگی می‌آید؛ در «اژدها...» وحشت بیشتر فضایی است: قبرستان، صدهای ناشناس، و اژدهای خیالی. روایت «ملکوت» خطی و محدود به یک شب‌نشینی است؛ «اژدها...» چندلایه، مستندگونه و پر از روایت‌های متناقض. در «ملکوت»، شخصیت‌ها تیپیک و نمادین‌اند (دکتر

یا اینکه بسیار پیش می‌آمد که درباره داستانی که نوشته صحبت می‌کرد از ماجراها و شخصیت‌هایش؛ در حالی که داستانی در کار نبود. محمد حقوقی که از دوستان نزدیک او و تأثیرگذارترین شخص در مسیر صادقی بود در شعری به همین موضوع اشاره می‌کند: «او قصه‌ی نگفته‌ی خود / من شعرهای خوردم بودن» «ملکوت» تنها داستان بلند صادقی است و در سال ۱۳۴۰ منتشر شد. این اثر با روایت حلول جن در بدن آقای مودت، در یک شب‌نشینی، به پرسش‌های فلسفی درباره‌ی مرگ، گناه، رستگاری و پوچی زندگی می‌پردازد. فضای داستان تاریک، وهم‌آلود و نزدیک به ژانر وحشت است، اما وحشتی فلسفی و ذهنی؛ وحشتی که از درون انسان برمی‌خیزد نه از بیرون. «ملکوت» با حضور شخصیت‌هایی چون آقای مودت، دکتر حاتم و راوی ناشناس، در یک شب‌نشینی آغاز می‌شود. حلول جن در بدن مودت، بهانه‌ای برای ورود به جهان تاریک و ضدبشری دکتر حاتم است؛ پزشکی که به‌جای درمان، بیماران را می‌کشد و از آن‌ها صابون می‌سازد. وحشت در «ملکوت» نه از هیولا یا خونریزی، بلکه از پوچی و بی‌معنایی زندگی برمی‌خیزد. شخصیت‌ها بی‌هلف‌اند، گفت‌وگوها بی‌معنا و تکراری، و جن به‌جای ترسانک بودن، بیشتر نماد بحران درونی است. این ویژگی‌ها یادآور نمایشنامه‌های بکت و فضای ایزورد است.



مهلی جلیلی

بهرام صادقی (۱۳۱۵-۱۳۳۳) در نجف‌آباد اصفهان زاده شد و در تهران درگذشت. او پزشک و نویسنده بود و از چهره‌های شاخص حلقه‌ی ادبی «جنگ اصفهان» به شمار می‌رفت. آثار اصلی او شامل مجموعه داستان «سنگر و قمقمه‌های خالی» و داستان بلند ملکوت است. صادقی در عمر کوتاه خود، با نگاهی تلخ و پوچ‌گرایانه، فروپاشی زندگی شهری و بحران‌های وجودی انسان معاصر را در قالب داستان‌هایی موجز و تکان‌دهنده بازتاب داد. در زندگی شخصی هم عجیب بود. به گفته دوستان نزدیکش – که زیاد هم نبودند – گاه بی‌گاه به ملتی طولانی غیبش می‌زد

شعر گلستان

تا بیایی چند باران آمده



حامد رضایی، دامغان

بگویم؟
بگویم به گوش سنگین خیابان ایستگاه؛
تو مهتابی؟
فریاد بر سر شب می‌کشی؟
بگویم
سربازهایی را که پاس گمارده‌اند
اگر آب‌ها زرد آجری شد
گزارش کنند
بدانم آمده‌ای؟

آنا! آنا! آنا!

فریاد بر سر شب که می‌کشی

مهتابی

مهتابی

مهتابی تو.

بیا بیا تا برایت تعریف کنم

تا بیایی چند باران آمده

و در هر باران

چقدر دیوارهای خشتی تاریخانه لاغرتر شده‌اند.

پیری که می‌رسد

استخوان می‌ماند و استخوان

می‌دانی برای ایستادن

برای رسیدن یک روز مطلوب

چقدر گوشت تنت باید آب شود!

آنا سپرده‌ام پاسبان‌ها را

صدای گلوله‌ای بی‌محبا

گل‌های پیرهن را ژولیده می‌کند.

بیا چندین سالینه مهتاب!

بیا فریاد بر سر شب!

بیا که

با ساعت‌ها قرارداد بسته‌ام

و غریبه در زمانم.

پیری چهل ساله‌ام با رویایی که پوکی

استخوان دارد

به سایه‌ای جوان

دعا می‌کنم

دیگر بادی بیاید.

بادی که رنگ‌ها را ببرد

رنگ پرچم‌ها را

رنگ پوست‌ها را

بادی که بداند صدای شومی از جغد

نیست

و از نرم‌خویی ماست که دیوها شکوفا

شده‌اند

و تمام تاریخ حصار را خورده‌اند.

بیا بیا،

تنه‌ایم،

در کپه‌ای از رگ‌های تهی.

در سرخی‌ای

که شدت‌ش

بر سیاهی شب چیره نیست.

آهسته‌تر ای فصل فراوانی خامه



مسلم فدایی، گنبد کاووس

یک قطره‌ی عطر تو چکید از نوک خامه

گل پخش شد از دفتر من جای چکامه

حتی مد پاریس هم از چشم من افتاد

تا نام تو سر ریز شد از پاکت نامه

من بی تو وجودم عدمی بیش نیرزد

وقتی که اذان نیست چه حاجت به

اقامه؟

حرفت به میان آمد و محراب فرو

ریخت

مخلوط شد انگشت و تسبیح و عمامه

پشت سر تو جنگ شکر راه می‌افتد

آهسته‌تر ای فصل فراوانی خامه

سه شعر تازه

مهدی جعفرپور، ساری



(۱)

آفتاب‌ها و

آبشارها

و جهانی که

اشک‌ها را

بر عقربه‌های شک می‌تاباند

در نَمی از چشم‌ها

که بی‌افق می‌روند

بادبانی بگیران.

(۲)

بر تکمه‌ای از مرگ

لالایی می‌خوانم و

در جنوبگانی

از هراس

بر دهان موریانه‌ها

چون تصویری از بلع

بصل‌النخاع زنده‌یاده‌های بادی

آیین مهتاب



نصرت‌اله صادقلو، رامیان

صبح آمده تا ما غزلی ناب بخوانیم

از چشم سحر، قصه‌ی جذاب بخوانیم

از دفتر شعری که گشوده‌ست سحر، گل

گل‌خنده‌ی خورشید جهان‌تاب بخوانیم

از زمزمه‌ی مرغ غزل‌خوان سحرگاه

چون غنچه، شکوفا شده شاداب بخوانیم

اندوه داوینچی که به لب‌خند ژوکوند است

هر صبح به تکرار در آن قاب بخوانیم

توصیف رخ یار به دیوان دل شب

از جلوه‌ی آیینی مهتاب بخوانیم

افسانه‌ی آشفته‌گی عاشق بی‌دل

از پیچش آن زلف پر از تاب بخوانیم

وصف گذر عمر در آن بیت ز حافظ

«بنشین به لب جوی» که از آب بخوانیم

برخیز که احساس دل شاعر صادق

با زمزمه‌ی این غزل ناب بخوانیم

بغض‌های سنگی



علی اصغر روزبیکر، کردکوی

قله‌ای بی‌کوهنورد

بی‌پرچم فتح

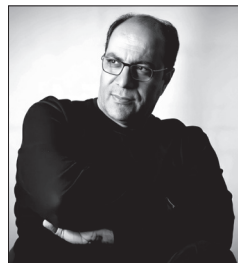
خمیده به زیر تلنبار یخچال‌ها

لایه لایه بغض‌های سنگی

در دلش می‌جوشد.

بازخوانی لیلی لیلی در کنسرت داود آزاد

آنجا که کلام باز می ماند موسیقی آغاز می شود



حسین ضمیری

موسیقی همیشه عنصری برای آرام بخشی گفتگوی ذهن، تبادل فرهنگ نهفته در آوازه، ریتم ها ملودی ها و در نهایت افتادن یک اتفاق مثبت می باشد. هنگامی که موسیقی دکمه نهایی را در قلب مشترک آدم ها به نواختن در می آورد، یک جمع کامل - چه هنرمندان روی صحنه و چه مخاطبین حاضر در سالن ط دچار سینرژمی می شوند. سینرژمی به تنهایی می تواند تا مدت ها حال روحی آنها را التیام بخشیده و با انرژی زیاد خود، نیروی حال مضاعفی را در جسم و جان همه سازی و جاری کند. موسیقی دارای ظرافتی است که چون آب، سیال و ناپایدار، لایالی سنگریزه ها و سدهای زندگی حرکت کرده، تاثیر خود را می گذارد و عبور می کند. موسیقی جامعه را دچار فهم مشترک می کند. فهمی برای احساس لذت و پدید آوردن خاطره ای دلنشین. موسیقی

امضای هنری ست در پای برگه ی دیگر هنرها. موسیقی تکامل خواسته های آدمی است برای بروز احساسات گونه گون. بارها و بارها شاهد بودیم یک موسیقی درست، جامعه را از کوره راه های سخت زندگانی، به نیکویی عبور می دهد. جمعه عصر، هفتم آذر ماه، در دو سانس پیاپی، اتفاق نادر به رخمنون نشست. گروه موسیقی ایرانی با حضور نوازندگان چیره دست گرگان در کنار استاد داوود آزاد - موسیقیدان، آهنگساز و خواننده شهیر ایران زمین - پس از ماه ها تمرین دور و نزدیک، به روی صحنه رفتند و اتفاق مهمی را رقم زدند. آنها به بازآفرینی قطعاتی جدید و قدیم از ساخته های داوود آزاد نشستند تا مخاطبین حاضر در تالار فخرالدین اسعد گرگانی، دچار موسیقی اصیل ایرانی شوند. گاهی اشعاری آهنگین و عمیق از مولانا و گاهی قطعه ای آذری که برای همگان، نوستالژی خود را داشت. اجرای صحیح این قطعات به خوبی نشان داد که نوازندگان گرگان، حرف های زیادی برای گفتن دارند و به خوبی می توانند از عهده اجرای گروهی در تراز دیگران هنرمردان کشور سنجیده شوند. و اما در این پازل اتفاق دیگری به زیبایی هرچه تمام تر خودنمایی کرد. گروه دف نوازان دیبا به سرپرستی رویا ریاضی بر روی صحنه حضور یافت و در چند قسمت، کاوری حرفه ای را برای قطعات کنسرت به وجود آورد. حرکات دقیق، انتخاب رنگ مشکی



برای دف تمامی گروه و حتی داوود آزاد در تقابل انتخاب پوشش روشن و سنتی آنها، گفتگوی موسیقایی دف نوازان حاضر در دو گروه و ... همه و همه بیانگر تفکری عمیق برای انتقال زیبایی بود. گروه آوازی آداک به سرپرستی ابوذر اسماعیلی ثالث نیز در کنار این چیدمان حضور یافت و نشان داد که یک آکاپلای صحیح می تواند جلوه های شنیداری و تصویری یک اثر را تا چه اندازه به کیفیتی بالاتر بنشانند. چندسالی ست که زیبایی های شنیداری این گروه، برای مردم فهیم گرگان جا افتاده، ولی برای دومین بار است که با حضور و کاور کردن قطعات موسیقی اصیل ایرانی، نقش خودش را به درستی به نمایش گذاشت. در اجرای یک قطعه آذری شاهد بودیم که داوود آزاد، فقط و فقط همراه با موسیقی آکاپلای گروه آداک به خوانش قطعه ای آذری پرداخت و خبری از نواختن هیچ ساز دیگری در روی صحنه نبود. گروه بزرگ کر آوازی گرگان در قسمت پایانی - با حضور بیش از ۶۰ همخوان - در کنار گروه آوازی آداک و گروه دف نوازان و گروه اصلی، این قاب زیبای موسیقی را به کمال رساند. چیدمان صحیح، استفاده از آکسسوار خوب، صفحه نمایشی که به جلوه های بصری کار افزوده بود، نوپردازی و صداپردازی خوب و همراهی پرسنل تالار فخرالدین اسعد گرگانی، همه با هم توانستند تا شبی ماندگار را برای

مخاطبین موسیقی اصیل ایرانی، رقم بزنند. داوود آزاد با حسن اعتماد به نوازندگان و گروه کار آوازی گرگان، بار دیگر به متولیان موسیقی در کشور و استان گوشزد کرد که می توان با کشف، شکوفایی و بسترسازی درست نسل جوان، سرمایه های هنری خوبی را به جامعه تحویل داد. مخاطبین، در هنگام اجرای این کنسرت، لبریز از حیرانی و سکوت بودند. سکوتی آغشته به احترام و تفکر. مخاطبین این اجرا بارها چشمشان را مالیدند و از خود پرسیدند: این اجرای فرزندان همین شهر بود؟ در پایان نیز اجرای قطعه لیلی لیلی با همخوانی همه هنرمندان و حاضرین در تالار فخرالدین اسعد گرگانی، شوری شیداگونه را برای همگان به یادگار گذاشت. وقتی کارآموز آموزگانی شیدا، اساتیدی صبور و با جسارت، هنرآموزانی فهیم و همراه در کنار تیم تهیه کننده و اجرایی حرفه ای، جمع می شوند؛ مشاهده یک اثر هنری نسبتاً کامل، فرایند دور از دسترسی نخواهد بود. صحنه تالار گرگان، شاهد یک رخمنون خاص فرهنگی هنری بود. این اجرای فاخر، رسالت انجمن موسیقی استان و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان را صد چندان سخت تر کرد. بر عهده آنان است که این گونه آثار را مورد حمایت های ویژه تری قرار دهند این اجرا نشان داد که خروجی توانمند آموزشگاه می تواند تا چه اندازه موثر و مفید باشد.



آگهی ثبتی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۳۷/۱۲۰۰۳۳۱۲/۱۴۰۴۰۸،۲۷ مورخ ۱۴۰۴۰۸،۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کالاه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم علی دهقان فرزند مزار به شناسنامه شماره ۰۵۸ کدملی ۲۰۳۰۳۳۳۳۳۳۳ صادره از شهرستان گنبد در شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۲۰۲ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک باقیمانده ۸۲- اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کالاه خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای/خانم موسی جاودان محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۴۰۹،۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴۰۹،۲۶ بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کالاه - م الف ۱۱۹۵۳

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۳۷/۱۲۰۰۳۳۱۲/۱۴۰۴۰۸،۲۷ مورخ ۱۴۰۴۰۸،۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کالاه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم حسین دهقان

فرزند مزار به شناسنامه شماره ۱۹۹۸ کدملی ۲۰۳۱۶۵۸۲۷۱ صادره از شهرستان گنبد در شش دانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۴۷۹۸ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک باقیمانده ۸۲- اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کالاه خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای/خانم موسی جاودان محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۴۰۹،۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴۰۹،۲۶ بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کالاه - م الف ۱۱۹۵۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۳۷/۱۲۰۰۳۳۱۲/۱۴۰۴۰۸،۲۷ مورخ ۱۴۰۴۰۸،۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کالاه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم احمد کوچک پور فرزند قوشاه به شناسنامه شماره ۲ کدملی ۴۸۶۹۷۹۰۸۸۲ صادره از شهرستان کالاه در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۹۴۸۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ثبتی ۲۰۱- اصلی واقع در قریه آبدرویش بخش ۹ شهرستان کالاه خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای/خانم دولت یار آلی محرز گردیده است، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به

مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۴۰۹،۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴۰۹،۲۶ بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کالاه - م الف ۱۱۹۴۴

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۴۰۳۳۷/۱۲۰۰۳۳۱۲/۱۴۰۴۰۸،۲۷ مورخ ۱۴۰۴۰۸،۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کالاه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم برات اله حلاج بیژنی فرزند محمد به شناسنامه شماره ۱ کدملی ۰۷۹۴۶۲۹۰۳۲ صادره از شهرستان سبزوار در شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۲۳۷۰ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۳۰۵ فرعی از ۲۱۳ - اصلی واقع در بخش ۹ شهرستان کالاه خریداری مع واسطه از مالک رسمی آقای/خانم صفر ایزدی محرز گردیده است ، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۱۴۰۴۰۹،۲۶ تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۱۴۰۴۰۹،۲۶ بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کالاه - م الف ۱۱۹۷۱



باران غم



الهه سالاری شهری

شبنم، ای قطره باران لطیف
تو چرا ز محفل ما دوری؟
لاله هم در نبود تو خواب است
این چه کاریست؟ چقدر مغروری!
دل من ویران شده از عشق تو
از طمعکاری و آرزو حرص تو
تو بیار از دل ابر پاره
بر سر ما که کنیم شکر به تو
امشب انگار شب بیداریست
شب گریه، شب جان فرسایست
ای تو شبنم، ای تو باران، ای مطر
قصه آمدن نداری بی خبر؟
در این برگ ریزان قطره های آب کو؟
دلخوشی ما کشاورزان کو؟
ای خدای تو خدای آب و ابر
تو بگو آن رود و آن بستان کو؟
ای خدایا، کشورم ایران کجاست
رود پنهان و کارونم کجاست
جنگل نام را که در آتش دوزخ سوختی
چشم من را به رحمت خود، تو دوختی



تنها منطقه آزاد خشکی ایران در آستانه جهش صادراتی

مدیر فودسیتی هم در این دیدار، آمادگی اولیه خود را برای واردات مستقیم محصولات گلستان اعلام کرد.

چراغ سبز ازبک‌ها به منطقه آزاد اینچه‌برون

یکی از موضوعات مورد توجه ازبک‌ها، وضع حمل‌ونقل و لجستیک بود که طرف ازبکی علاقه‌مندی جدی خود را برای تقویت ارتباط مستقیم با منطقه آزاد اینچه‌برون اعلام کرد چرا که به عقیده مختار عمراف رئیس مجمع اقتصادی و انجمن صادرکنندگان ازبکستان، این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک و زیرساخت‌های ریلی و گمرکی، می‌تواند دروازه اصلی ورود کالاهای ایرانی به بازار ۳۵ میلیونی ازبکستان باشد. محمدعلی اسکندری، سفیر جمهوری اسلامی ایران در تاشکند هم در دیدار با هیأت گلستانی، این استان را پیشران واقعی توسعه روابط اقتصادی ایران و ازبکستان خواند و بر لزوم برگزاری نمایشگاه مشترک تجاری، تقویت پروازهای مستقیم و ایجاد خطوط منظم حمل‌ونقل تأکید کرد. هیأت گلستان همچنین از نمایشگاه بین‌المللی کشاورزی AGRO EXPO UZBEKISTAN که در آن جدیدترین فناوری‌های کشاورزی و صنایع غذایی به نمایش گذاشته شده بود، بازدید کرد و در حاشیه آن نیز چند تفاهم‌نامه اولیه در حوزه گلخانه‌های مدرن، خوراک دام و تجهیزات کشاورزی امضا شد. هفته گذشته، نمایشگاه اختصاصی گلستان در بالکان‌آباد ترکمنستان با حضور استاندار و بیش از ۶۰ شرکت برتر استان برگزار شد و حالا همان مدل موفق در ازبکستان تکرار شده است. معاون اقتصادی استاندار گلستان تأکید کرد: گلستان در حال تبدیل شدن به شریک استراتژیک کشورهای همسایه است که تلاش می‌کنیم پس از این سفر، اعزام و پذیرش هیأت‌های تخصصی در حوزه‌های کشاورزی، مواد غذایی، خدمات فنی و دام و طیور آغاز شود و در مدت کوتاهی شاهد جهش چشمگیر مبادلات تجاری باشیم. دومینوی طلایی صادرات گلستان به حرکت درآمده و این بار مقصد بعدی شاید قزاقستان، قرقیزستان یا حتی تاجیکستان باشد چرا که این استان سرسبز شمالی ایران می‌خواهد بازیگر جدی در نقشه تجارت آسیای مرکزی باشد.



بازار ازبکستان آماده جذب حجم قابل توجهی از کالاهای گلستان است و مذاکرات اولیه نشان می‌دهد بخش بزرگی از نیازهای این کشور را تولیدکنندگان مای می‌توانند تأمین کنند

حجم قابل توجهی از کالاهای گلستان است و مذاکرات اولیه نشان می‌دهد بخش بزرگی از نیازهای این کشور را تولیدکنندگان ما می‌توانند تأمین کنند. عبدالعلی کیان‌مهر تأکید کرد: هدف اصلی این سفر، تبدیل حضور مقطعی به مسیرهای پایدار صادراتی و ایجاد پشته‌های حمایتی قوی برای بازرگانان استان است. یکی از مهم‌ترین برنامه‌های هیأت، بازدید از مجموعه عظیم «فودسیتی تاشکند» بود؛ بزرگ‌ترین مرکز توزیع مواد غذایی و تره‌بار ازبکستان که کیان‌مهر در دیدار با مدیران این مجموعه، ظرفیت‌های گلستان در حوزه کشاورزی، صنایع غذایی و بسته‌بندی را تشریح کرد و از راه‌اندازی قریب‌الوقوع پایانه صادراتی استان خبر داد. نعمان‌اف،

در شهر بالکان‌آباد ترکمنستان، هیأت بلندپایه تجاری استان گلستان این بار راهی سمرقند و تاشکند شد تا دومینوی موفقیت‌های صادراتی را با سرعت بیشتری به حرکت درآورد. استفاده هوشمندانه از همجواری مستقیم با ترکمنستان و ظرفیت منطقه آزاد اینچه‌برون، حالا به یک راهبرد ثابت و هدفمند برای استانداری و اتاق بازرگانی گرگان تبدیل شده که نتایج آن یکی پس از دیگری در حال نمایان شدن است.

بازار ازبکستان تشنه محصولات گلستان

معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار گلستان که سرپرستی این هیأت را بر عهده دارد، در بدو ورود به سمرقند اعلام کرد: بازار ازبکستان آماده جذب

تنها منطقه آزاد خشکی ایران در آستانه جهش صادراتی منطقه آزاد تجاری- صنعتی اینچه‌برون در مرز شمالی استان گلستان به‌عنوان تنها نقطه‌ای در ایران که ریل مستقیم به شبکه راه‌آهن آسیای مرکزی دارد و دروازه زمینی ایران به بازار ۲۰۰ میلیونی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع محسوب می‌شود با اظهار علاقه بازرگانان ازبکستانی و دیگر همسایگان آماده تبدیل به قطب اصلی ورود کالاهای ایرانی و ترانزیت به دیگر کشورهای منطقه شده که با این جرقه، منطقه آزاد خشکی ایران در آستانه یک جهش بزرگ صادراتی واقعی است. به گزارش ایرنا، استان گلستان با بهره‌مندی از موقعیت منحصربه‌فرد جغرافیایی از جمله هم‌مرزی با ترکمنستان، برخورداری از منطقه آزاد تجاری- صنعتی اینچه‌برون، تنوع تولیدات کشاورزی و رتبه‌های بالای کشوری در محصولاتی چون گندم، جو، سویا، پنبه، کلزا، آفتابگردان، گوشت مرغ، تخم‌مرغ، آبریان و فرآورده‌های لبنی، زیرساخت‌های پیشرفته گلخانه‌ای، صنایع تبدیلی قوی و نیروی انسانی متخصص، یکی از قطب‌های اصلی تولید و صادرات غیرنفتی ایران است. این استان در سال‌های گذشته با اتخاذ راهبردی منسجم و هدفمند مبتنی بر دیپلماسی اقتصادی فعال، تقویت بخش خصوصی، هماهنگی فراگیر میان دستگاه‌های اجرایی و بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های منطقه آزاد اینچه‌برون، موفق شد حضور خود را در بازارهای کشورهای همسایه و آسیای مرکزی از حالت مقطعی و نمایشگاهی به مسیرهای پایدار، مستمر و مبتنی بر قراردادهای بلندمدت ارتقا دهد. سفر روزهای گذشته هیأت بلندپایه تجاری- اقتصادی گلستان به ازبکستان به سرپرستی عبدالعلی کیان‌مهر، معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار، در ادامه موفقیت چشمگیر نمایشگاه اختصاصی گلستان در بالکان‌آباد ترکمنستان، نمونه‌ای روشن از اجرای این راهبرد منسجم است که با تکیه بر بدنه‌ای قدرتمند و هماهنگ از استانداری، اتاق بازرگانی، صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی، منطقه آزاد اینچه‌برون و جامعه فعالان اقتصادی استان، در حال تبدیل گلستان به دروازه اصلی صادرات ایران به بازار ۲۰۰ میلیونی آسیای مرکزی و قفقاز است. چند روز پس از پایان نمایشگاه دستاوردهای تجاری ایران



شرکت لیزینگ پارسیان
(سهامی عام)

آگهی مزایده عمومی دوفروند شناور

شرکت لیزینگ پارسیان (سهامی عام) در نظر دارد دوفروند شناور مستقر در استان گلستان شهرستان بندر ترکمن بامشخصات ذیل و با شرایط عینی موجود را از طریق مزایده عمومی بصورت نقدی به فروش برساند.

۱- بارچ تمجید بدون موتور

نوع وسیله: بارچ حمل بار روی عرشه، حمل فرآورده نفتی ۱۰۰۰ تنی بدون موتور شماره‌ای ام/او/بدنه: IGS.A5/SDL.TB (FPab.60)/CS.CW/ موسسه رده بندی ویا کلاس وسیله: گروه کارشناسان ایران (سابق) نماد کلاس: سال ساخت/مدارک: H.TM.LL.SC.SNC-2002/ پرچم: ایران

ابعاد و آبخو/اماکن زیست: ۳۶×۲×۳×۴×۱۳×۴۲ متر/۵ نفر

۲- یدک کش اتلانیتیک

نوع وسیله: یدک کش ۱۲۰ اسب بخار موسسه رده بندی ویا کلاس وسیله: گروه کارشناسان ایران (سابق) نماد کلاس: سال ساخت/مدارک: H&M.TM.LL/1999/ پرچم: ایران

ابعاد و آبخو/اماکن زیست: ۱۶×۲×۴×۱۳×۷ متر/۷ نفر

متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده، بازدید و تحویل پیشنهاد قیمت از تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۹ الی ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ لغایت ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ طی ساعات اداری از ۸ الی ۱۶ به آدرس: تهران، بلوار کشاورز، نبش خیابان شوریده، پلاک ۵۳، طبقه ۵، واحد اداری مراجعه و جهت اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۲۱-۸۹۳۷۳۳۴۰۴ یا تلفن همراه ۰۹۱۲۳۴۹۰۱۷۶ تماس حاصل نمایند. پیشنهاد قیمت برای هر یک از شناورهای بصورت جداگانه و یا برای هر دو شناور به طور یکجا امکان پذیر می‌باشد، از بابت پیشنهادها برای هر شناور مستقل انجام خواهد شد. اطلاعات شناورهای مذکور در سایت: www.parsianleasing.com قابل مشاهده می‌باشد.

به‌کارگیری روش‌های نوین آبیاری هنوز می‌توان بخش قابل توجهی از تولید و کشت گندم را مدیریت و حفظ کرد. وی گفت: خشکی زمین‌ها و نگرانی از کمبود بارندگی باعث شده بسیاری از کشاورزان حتی برای دریافت بذر هم اقدام نکنند زیرا نگرانند هزینه‌های بذر و کود را پرداخت کنند اما امکان کشت نداشتن باشند. مدیرعامل بنیاد ملی گندمکاران کشور با بیان اینکه زمان کشت کلزا به دلیل تأخیر بارندگی از دست رفته است، افزود: برای کشت گندم تا اوایل دی‌ماه فرصت داریم و اگر منابع لازم فراهم شود می‌توانیم تولید را حفظ کنیم. سال گذشته استان گلستان حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن گندم تحویل داد اما امسال به ۶۰۰ هزار تن رسید. دبیر خانه کشاورز گلستان کمبود کود قطعی برق چاه‌های برقی و نبود سوخت برای چاه‌های دیزلی را از چالش‌های جدی کشاورزان برشمرد و تصریح کرد: با وجود این شرایط اگر زیرساخت‌های آبیاری نوین و خطوط انتقال آب فعال شود می‌توانیم از منابع موجود حداکثر بهره‌وری را داشته باشیم.

برای نجات تولید گندم تا دی ماه فرصت داریم

مدیرعامل بنیاد ملی گندمکاران ایران با بیان اینکه برای کشت گندم تا اوایل دی‌ماه فرصت باقی است، تأکید کرد: در صورت تأمین منابع و به‌کارگیری روش‌های نوین آبیاری، می‌توان بخش قابل توجهی از تولید گندم را حفظ کرد. به گزارش روابط عمومی، علی قلی‌ایمانی با اشاره به تأخیر بارندگی و سختی شرایط کشت، اظهار کرد: با وجود نگرانی کشاورزان در صورت تأمین منابع و